

ماهیت و حکم استفاده از انگشت نگاری دی ان ای در فقه مقارن

محدثه معینی فر،^۱ حمیدرضا معارفی زنجانی اصل،^۲ مجتبی یوسفی^۳
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۳)

چکیده

امروزه به جای اصل قانونی بودن جرایم و مجازات، سخن از اصل قانونی بودن حقوق جزا است تا این اصل صلاحیت مراجع رسیدگی و آیین رسیدگی را در بر بگیرد. متهمان به پشتوانه اصل برائت مصون از کیفر هستند؛ بنابراین «دلیل» تنها ابزار دادرسان برای کشف واقعیت‌های مربوط به جرم و انتساب آن به متهم است. بر همین مینا، این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که ماهیت و حکم فقهی استفاده از انگشت‌نگاری دی ان ای در فقه مقارن چیست؟ نظرات فقیهان امامیه و اهل سنت درباره ماهیت آزمایش یا انگشت‌نگاری دی ان ای شامل قرائن حسّی یا قریب به حس مستند علم قاضی، امر حسّی در حصول علم برای نوع مردم، بینه، لوث، ادله فنی یا اقناعی یا قرائن، ادله قطعی، مدرک علمی مبتنی بر تجربه و مشمول اختیارات قاضی هستند. نظرات آنان درباره حکم انگشت‌نگاری دی ان ای برای اهداف کیفری به جواز مشروط، جواز مطلق، عدم جواز و تابعیت از قوانین کشور در جواز و عدم جواز قابل تقسیم است و آیه

-
۱. استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران (نویسنده مسئول) / moeini@isr.ikiu.ac.ir
 ۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اصلاح و کیفرهای قضایی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران / hr.maarefi@gmail.com
 ۳. کارشناس ارشد مدیریت اصلاح و کیفرهای قضایی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران / mojtaba431yousefi@gmail.com

۱۸ یوسف، سنت، دلیل عقل و بنای عقلا از ادله جواز آن با اهداف کیفری و آیات ۱۵ نساء، ۴ نور، ۳ مائده و ۲۲۹ بقره، سنت، عدم حجیت علم قاضی در حدود، تسامح الهی در حدود، قاعده درأ و اصل برائت از ادله عدم جواز آن هستند. به نظر می‌رسد نظریه جواز با توجه به ضعف ادله طرف مقابل و بررسی ابعاد دقیق انگشت‌نگاری دی ان ای به عنوان موضوع‌شناسی بر نظریه عدم جواز اولویت دارد.

کلیدواژه‌ها: ادله اثبات کیفری، فقه کیفری مقارن، انگشت‌نگاری دی ان ای، جرم، علم قاضی.

طرح مسئله

جرائم از ابتدای آفرینش انسان با او و سپس جامعه انسانی همراه بوده و با وجود سیاستهای مختلفی که جامعه در قبال آنها دارند، اما دغدغه اصلی پیش از رسیدگی به جرائم، روشهای کشف جرم است که می‌تواند برخورد مناسب جامعه را با مجرم تعیین کند. قانون‌گذار اسلام نیز روشهایی را برای کشف جرم معرفی کرده است، اما با پیشرفت علم و فناوری در هر مرحله روشهای نوینی ظهور می‌یابند که می‌توانند علاوه بر ساحت‌های دیگر زندگی بشر، در حوزه کشف جرم نیز مؤثر باشند. یکی از این روشها، انگشت‌نگاری دی ان ای است که می‌تواند در مسیر کشف جرم به قاضی کمک نماید. از این رو، «در سال ۱۳۹۲ دستورالعمل تشکیل بانک هویت ژنتیک ایران توسط رئیس قوه قضائیه ابلاغ شد» (حسینی و نریمانپور، ۱۳۹۹ش، ص ۷۵).

به‌علاوه، وجود اصولی چون برائت یا قاعده درأ یا وجوب احتیاط در دماء یا لزوم حفظ خون یا نفس مسلمانان در فقه به معنی اتخاذ رویکرد احتیاطی در صدور حکم به مرگ متهم یا تفسیر مضیق به نفع متهم در حقوق سبب می‌شود تا قاضی نتواند به‌سادگی متهم را در جایگاه مجرم بنشانند. از همین رو، با معرفی روشهای علمی جدید چون انگشت‌نگاری دی ان ای، علاوه بر لزوم دستیابی به ماهیت و حکم این موارد در فقه اسلامی، بررسی تعارض این ادله نیز اهمیت می‌یابد، زیرا این تعارض مسائلی را پدید می‌آورد که حل آنها از مهم‌ترین مأموریت‌های هر نظام قضایی است. بر همین اساس، سؤال اساسی این پژوهش آن است که ماهیت و حکم فقهی استفاده از انگشت‌نگاری دی ان ای در فقه مقارن چیست؟ این مقاله از بخشهایی چون موضوع‌شناسی، نظرات فقیهان امامیه و

اهل سنت درباره ماهیت و سپس حکم آزمایش یا انگشت نگاری دی ان ای و بررسی ادله آنها تشکیل شده است.

مفهوم شناسی

پیش از آغاز بحث، لازم است میدان معنایی مشترک این موضوع، تعیین یا موضوع حکم، معرفی و اوصاف آن دقیق بیان شود، زیرا الفاظی که در مباحث مذاهب اسلامی اعم از اهل سنت و شیعه به کار می‌رود، در ظاهر متفاوت‌اند. فقیهان اهل سنت (سلطانی، ۲۰۱۱م، ص ۱۱؛ هلالی، ۲۰۰۱م، ص ۲۵؛ کعبی، ۱۴۲۶ق، ص ۲) از عبارت «البصمة الوراثية» برای توصیف آن استفاده می‌کنند که برگردان دقیقی از اصطلاح انگلیسی آن (DNA fingerprinting یا DNA profiling) است و معادل آن در فارسی، انگشت نگاری دی ان ای، رخ‌نمانگاری دی ان ای، تشکیل پرونده دی ان ای یا دسته‌بندی دی ان ای است؛ اما در میان فقیهان شیعه واژه مرسوم آزمایش دی ان ای یا تشخیص هویت ژنتیک است و برخی (محمدی قائنی، درس خارج فقه، ۹۹/۰۷/۰۲) هم از واژه انگشت نگاری دی ان ای بهره برده‌اند.

در منابع فقه معاصر شیعه، اساساً تعریفی از آن بیان نشده یا به تعریف پزشکی از آن اکتفا شده است؛ اما در منابع اهل سنت، به اذعان برخی (سلطانی، ۲۰۱۱م، ص ۱۱) می‌توان تعاریفی را در اصطلاح شرعی یا به عبارت دقیق‌تر، در اصطلاح متشرعه برای آن یافت. برای نمونه، تعریف مجمع فقه اسلامی: «ساختار ژنتیکی نسبت به ژنهاست که هویت هر انسان خاص را نشان می‌دهد» (هلالی، ۲۰۰۱م، ص ۲۵) یا تعریف وهبه زحیلی: «مواد ژنتیکی که در سلولهای همه موجودات زنده یافت می‌شود، مانند تجزیه و تحلیل خون، اثر انگشت، منی، مو یا بافت سلولی، میزان شباهت یا تفاوت بین دو موجود را نشان می‌دهد» (سلطانی، ۲۰۱۱م، صص ۱۲-۱۱) یا «ویژگیهای ژنتیکی که از ابوبین به فرزندان منتقل می‌شود که با تجزیه و تحلیل بخشی از دی ان ای موجود در تمام سلولهای بدن، شخصیت هر فرد را تعیین می‌کند» (کعبی، ۱۴۲۶ق، ص ۲) یا «ساختار ژنتیکی تفصیلی که هویت هر فرد خاص را نشان می‌دهد و روشی تقریباً خطاناپذیر برای تأیید و اثبات هویت، به‌ویژه در زمینه پزشکی قانونی است تا حدی که اکثر حقوقدانان آن را پذیرفته‌اند» (عبدالصمد،

۲۰۱۱م، ص ۱۴). البته ناگفته نماند که این تعاریف، همگی تعاریف علمی هستند و شرع مدخلیتی در تعریف آنها ندارد.

نظرات فقیهان امامیه و اهل سنت درباره ماهیت آزمایش یا انگشت‌نگاری دی ان ای

چند نظر در اینجا مطرح هستند:

۱. قرائن حسّی یا قریب به حس مستند علم قاضی

برخی فقیهان امامیه (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳ش، ج ۲، ص ۴۲۹؛ مکارم شیرازی^۴، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۲۲۱؛ محمدی قائنی، درس خارج فقه، ۹۹/۰۷/۰۲؛ استفتائات آیات عظام صافی گلپایگانی و علوی گرگانی) ماهیت آن را قرائن حسّی یا قریب به حس مستند علم قاضی دانسته‌اند، زیرا اعتبار آن به حصول علم و یقین است و در غیر این صورت، حتی قابلیت تعارض با سایر امارات و حتی اصول عملیه را هم ندارد. البته آنچه از کلام فقیهان بر می‌آید، آن است که باید نظر این گروه را منصرف به قاضی مجتهد دانست که اجازه دارد بر اساس علم خود عمل کند.

فرع دیگری در اینجا مطرح است و آن زمانی است که اگر برای قاضی علم حاصل نشد، می‌تواند به کارشناسهای پزشکی توجه کند یا خیر، مثلاً در موردی که دو آزمایش نتایج متعارضی را نشان می‌دهند. برخی در باب این عبارات چنین بیانی دارند: «اگر مفید علم نبود، اعتبار آن برای دیگران به ملاک خبر است، نه قول خبره» (محمدی قائنی، درس خارج فقه، ۹۹/۰۷/۰۲).

۴. سؤال: آیا دلایل کشف جرم و اثبات آن از نظر فقهی منحصر به شهادت، اقرار و سوگند است؟
جواب: راه چهارمی نیز وجود دارد که آن علم قاضی است که از مجموعه قرائن حسّی یا قریب به حس حاصل می‌شود و دامنه وسیع و گسترده‌ای دارد که بسیاری از طرق کشف جرم در زمان ما را شامل می‌شود؛ ولی علم حاصل از مقدّمات نظری و حدسیّات خالی از اشکال نیست.

۲. امر حسی در حصول علم برای نوع مردم

برخی در پاسخ یک استفتاء چنین نظری را برگزیده‌اند: «اگر آزمایش دی ان ای موجب یقین برای نوع مردم شود، می‌تواند اثبات کند که منی مردی خاص است، ولی این نکته را که منی به شکل حرام در آنجا قرار گرفته، اثبات نمی‌کند و ممکن است وطی به شبهه یا انتقال منی از طریق دیگر باشد. البته اگر این احتمالات (وطی به شبهه یا انتقال منی) نیز به صورت یقینی برای نوع مردم، باتوجه به شواهد حسی قابل‌عرضه در محکمه، منتفی باشد، و فقط یقین به زنا حاصل شود، حکم آن اثبات می‌گردد.»

۳. بینه

هرچند این نظر قائلی در میان فقیهان امامیه ندارد، اما باتوجه به مبانی برخی فقیهان می‌توان آنان را به این نظر متمایل دانست. برای نمونه، مرحوم خوبی بر این باورند که هر آنچه مطلب را روشن و مدعا را ثابت کند، بینه است (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۷۴) یا معرفت نیز حدیث پیامبر ﷺ را درباره داوری بر مبنای شهادت و اقرار حمل بر وسایل متعارف کرده‌اند (معرفت، ۱۳۷۰ش، ص ۶۰).

۴. لوث

سبحانی تحت شرایطی، انگشت‌نگاری را از حالت‌های لوث دانسته‌اند و در نتیجه، نیاز به قسامه نیز ضروری است (مسگری حق، ۱۳۹۳ش، ص ۱۳۵). منظور از لوث نیز اماره ظنی است که افاده ظن قوی می‌کند (طباطبایی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۴، ص ۱۰؛ خمینی، ۱۳۷۹ش، ج ۲، ص ۵۲۷)؛ اما بینه تام نیست و به تنهایی نمی‌تواند مثبت باشد. پس بر اساس این نظر، آزمایش دی ان ای محدود به موضوع قتل خواهد بود.

در جمع‌بندی اقوال فقیهان شیعه در این زمینه باید به مبانی آنان در موضوع جایگاه ادله اثبات در فقه اسلامی رجوع کرد. دو مبنا در این زمینه مطرح است که مبنای دوم منشأ این ۴ نظر است و مبنای نخست، به دلیل نگاه انحصاری خویش نمی‌تواند جایگاهی در تعیین این امر داشته باشد، زیرا بر این اساس نه علم قاضی قابل قبول است و نه بینه معنای توسعه‌ای دارد.

در زمینه انحصار یا عدم انحصار ادله اثبات دعوا، دو دیدگاه کلی وجود دارد: برخی بر مبنای این روایات از حضرت رسول اکرم ﷺ: «إِنَّمَا أُقْضَىٰ بَيْنَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَ الْإِيمَانِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۱۴)، معتقدند استفاده و استعمال کلمه «إِنَّمَا» به عنوان ادات حصر، نشان‌دهنده انحصار ادله اثبات دعوی در بینه برای مدعی و سوگند برای منکر است و دلیلی جز این دو مورد قبول نیست (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۶ش، ص ۹۱)؛ اما برخی دیگر بر این اعتقاد هستند که نخست، ادله اثبات دعوی، حصری نبوده، زیرا در این روایات، ادله حصری به کار نرفته است، به عنوان مثال، اقرار که علی الاقوی و علی الاظهر از ادله اثبات دعوی است، در این روایت ذکر نشده است. پس نمی‌توان به حصری بودن سیاق روایت استناد کرد (خورسندیان، ۱۳۸۲ش)؛ دوم، هم‌چنین، ثابت نشده است که مراد از بینه در این حدیث، دو شاهد عادل باشد، چون لفظ بینه، حقیقت شرعی و حقیقت متشرعه نیست و در کتاب و سنت به معنای لغوی آن یعنی هر دلیلی که به یاری آن، مطلبی ثابت شود یا مجهولی آشکار شود، به کار رفته است (مرتضوی لنگرودی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۷۶).

در واقع می‌توان گفت که مفهوم این روایت این است که من پیامبر در میان شما مردم، بر اساس حجت و سوگند قضاوت می‌کنم. به بیان دیگر، رسول خدا ﷺ در مقام بیان این نکته هستند که ایشان و ائمه ﷺ در قضاوت میان مردم، به علم الهی و لدنی خود استناد نمی‌کنند (اساساً تعلق علم غیب معصومان ﷺ به این امور نیست، مگر در زمان امام زمان ﷺ و بلکه بر اساس حجج شرعی و ادله عرفی معتبر، داوری خواهند کرد) (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، صص ۸۸-۸۷). در تأیید این دیدگاه می‌توان به روایتی از امام صادق ﷺ استناد نمود که فقیهان برای اثبات حجیت داشتن بینه به آن استدلال کرده‌اند: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ [عَنْ أَبِيهِ] عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ كُلُّ شَيْءٍ هُوَ لَكَ حَلَالٌ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ حَرَامٌ بِعَيْنِهِ فَتَدْعُهُ مِنْ قَبْلِ نَفْسِكَ وَ ذَلِكَ مِثْلُ الثَّوْبِ يَكُونُ قَدْ اشْتَرَيْتَهُ وَ هُوَ سَرَقَهُ أَوْ الْمَمْلُوكَ عَكَدَكَ وَ لَعَلَهُ حُرٌّ قَدْ بَاعَ نَفْسَهُ أَوْ خُدْعَ فَبَيْعَ أَوْ قَهْرًا أَوْ امْرَأَةً تَحْتَكَ وَ هِيَ أُخْتُكَ أَوْ رَضِيعَتُكَ وَ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا عَلَيَّ هَذَا حَتَّى يَسْتَبِينَ لَكَ غَيْرَ ذَلِكَ أَوْ تَقُومَ بِهِ الْبَيِّنَةُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، صص ۳۱۴-۳۱۳). مسعده بن صدقه می‌گوید از امام صادق ﷺ شنیدم که می‌فرمود: «هر چیزی برای تو حلال است تا زمانی که بدانی عین (و نفس) آن شی، حرام است، (پس در این صورت باید) آن را ترک کنی. تا به این موضع

از این روایت می‌رسیم که حضرت می‌فرماید تمامی اشیا به همین نحو هستند تا آن که غیر از این حالت برایت آشکار شود یا بینه‌ای در موردش اقامه گردد. سند این روایت، معتبر است، البته در مورد مسعده بن صدقه بحثی وجود دارد و برخی توثیق او را نمی‌پذیرند، اما علی‌الأظهر و بر اساس مبنای توحید مختلفات، او همان مسعده بن زیاد و مورد توثیق است.

امام صادق علیه السلام در این روایت تصریح می‌فرماید که اصل (به معنای قاعده) در موارد شک در حلیت یا حرمت یک شیء، حلیت آن است و این اصل، معتبر است تا زمانی که خلاف آن روشن گردد یا بینه بر خلاف آن اقامه گردد. با دقت در حصری که در کلام امام علیه السلام ذکر شده است، می‌توان فهمید که چنین حصری در صورتی صحیح است که بینه به معنای لغوی خود، مورد استفاده قرار گرفته باشد، نه به معنای خصوص شهادت دو شخص عادل؛ چون روشن است که تنها راه اثبات موضوعات، شهادت دو نفر عادل نیست، بلکه راههای دیگری مانند اقرار، قسامه و علم قاضی نیز موجود است.

۵. ادله فنی یا اقناعی یا قرائن

برخی فقیهان اهل سنت آن را از ادله فنی یا اقناعی یا قرائن می‌دانند (موسی، ۲۰۲۱م، ص ۳۱۶؛ یحیی و لطیف، ۲۰۲۳م، ص ۲۴)؛ آن هم ظنی که به درج قرائن قطعی نخواهد رسید، زیرا محل بروز خطا است (خلیفه، ۱۴۴۰ق، ص ۴۷). وهبه زحیلی انگشت‌نگاری دی ان ای را در حوزه قضایی و حقوقی و باتوجه به کشف اخیر انگشت‌نگاری دی ان ای و عدم وجود متن قانونی، دلیل مستقل تلقی نمی‌کند، بلکه دلیلی می‌داند که به اقناع قاضی مبتنی بر تقوای الهی کمک می‌کند (سلطانی، ۲۰۱۱م، ص ۳۸). پس استفاده از اثر انگشت ژنتیکی در صورتی با دلیل دیگری مانند اقرار یا شهادت همراه نباشد، جایز نیست، زیرا احتمالات دیگری نیز وجود دارد، مانند اینکه ممکن است انگشت‌نگاری دی ان ای در صحنه جرم برای ورود اتهام به شخص ساخته شده باشد یا شاید فرد با حسن نیت و بدون اطلاع از این جنایت در صحنه جرم یا برای کمک به قربانی حضور داشته باشد و احتمالات دیگری که شامل اثبات قطعی جرم علیه متهم نیست، بنابراین اصل بر برائت اوست و انگشت‌نگاری دی ان ای به تنهایی برای رفع اصل برائت ذمه کافی نیست (یحیی و لطیف، ۲۰۲۳م، ص ۲۵). برخی نیز چون خلیفه آل کعبی بر این عقیده هستند که انگشت-

نگاری ژنتیکی قرینه‌ای قوی است که بر هیچ دلیل شرعی تقدم ندارد و هیچ حکم مستقلی را بر اساس آن نمی‌توان صادر کرد، مگر اینکه با بینه‌های دیگر پشتیبانی شود (خلیفه، ۱۴۴۰ق، ص ۴۷). با توجه به مطالب فوق می‌توان ادله‌ای برای این نظر برشمرد: ۱. اصل برائت ذمه؛ ۲. قاعده درأ (الحدود تدرأ بالشبهات).

۶. ادله قطعی

برخی فقیهان اهل سنت مانند نصر فرید واصل، علی محیی‌الدین قره‌داغی و سازمان علوم پزشکی اسلامی کویت (خلیفه، ۱۴۴۰ق، ص ۴۷) معتقدند دی ان ای شواهد علمی نشان‌دهنده هویت بیولوژیکی فرد است که از ادله قطعی به‌شمار می‌رود و اگر با ضمانتهای علمی و قانونی همراه باشد، نمی‌توان در آن تردید یا آن را رد کرد (موسی، ۲۰۲۱م، ص ۳۱۶؛ یحیی و لطیف، ۲۰۲۳م، ص ۲۴؛ حسانی، ۲۰۲۱م، ص ۴۲) و پس از تأیید کارشناس، اعتبار آن مورد تأیید خواهد بود (یحیی و لطیف، ۲۰۲۳م، ص ۲۴) و شبیه اثر انگشت کاغذی است که مدرک قابل قبولی برای مواردی غیر از حد و قصاص است و اگر اثر انگشت او با اثر انگشت برداشته شده از محل جرم مطابقت داشته باشد، نمی‌تواند حضور خود را در صحنه جرم انکار کند و بار اثبات قانونی بودن حضور او در این مکان بر دوش متهم می‌افتد (اسمر حضیری، ۲۰۱۶م، ص ۱۷۱).

این گروه بر این باورند که احتمال خطا در این روش نادر است، پس قابل اعتماد است. به‌علاوه، برخی با استناد به آیات ۱۱۵ توبه، ۱۱۹ و ۱۴۵ انعام، ۲۹ بقره، ۱ و ۱۱۵ مائده، ۲۹ نساء، ۲۹ و ۲۷۵ بقره، ۳۴ اسراء، ۱۷ و ۱۸ فصلت، ۱۳ جاثیه، روایات و دلیل عقل (ضرورت عقلی استفاده از آن در موقعیتهای مختلف و ترک آن مساوی با مشقت و حرج است - با استناد به قسمت آخر آیه ۲۱ ذاریات، داخل در حکم حرمت تداوی و درمان نیست و در نتیجه مباح است - حرام انگاشتن امری که در منابع فقهی حکم آن نیامده است، تکلیف بلا بیان و مالا یطاق است و برای خداوند قبیح است) که ادله حجیت اصل اباحه هستند، معتقدند که هر امری که نافع است، از سوی خداوند جایز است (هلالی، ۲۰۰۱م، صص ۱۱۲ - ۱۰۴؛ واصل، ۱۴۲۵ق، صص ۹۱-۹۰؛ دلیمی، ۲۰۲۰م، صص ۵۹-۵۱؛ عبدالمنعم، بی‌تا، صص ۲۲-۲۷). فقدان محذور شرعی در ذات انگشت‌نگاری دی ان ای، وجود مقاصد صحیح شریعت در آن مانند تحقق عدالت و امنیت برای جامعه و دستیابی به

شرایط صحیح مجازات یا تبرئه متهم و قاعده جلب المصالح و درء المفسد (اسمر حضیری، ۲۰۱۶م، ص ۱۷۱) را هم باید به ادله این گروه افزود. نصر فرید واصل مفتی مصر نیز در جواز به کارگیری آن به ادله‌ای چون اصله الاباحه، استصحاب براءت ذمه، اصل حجیت اراده انسان به ترتیبی که هر انسانی حق دارد هر قراردادی را منعقد کند که صلاح می‌داند و هر عملی را در حدود عدم ضرر رساندن به خود یا دیگران به انجام رساند که صلاح می‌داند و هیچ یک از این موارد حرام و باطل نیست، مگر آنچه شرع بر حرام بودن و باطل بودن آن دلالت می‌کند و حتی اکثر علما نیز بر این امر اجماع دارند (واصل، ۱۴۲۵ق، صص ۹۰-۸۹).

همچنین، برخی به ادله مشروعیت تمسک به قرائن مانند سه گروه از آیات شامل آیات مربوط به الوهیت و وحدانیت خداوند (آیات ۴۲ اسراء و ۹۱ مؤمنون)، آیات ناظر به جود نشانه‌ها برای درک حقیقت (۲۷۳ بقره و ۳۰ محمد) (مصطفی، ۲۰۰۷، ۱۰۵-۱۰۷) و آیات ناظر به وجود قرینه خاص برای حقیقت‌های خاص (آیات ۱۸ و ۲۶-۲۸ یوسف، ۲۲۸ بقره، ۸-۹ نور) (سبیل، ۲۰۰۲م، صص ۷۶-۷۲؛ مصطفی، ۲۰۰۷، ۱۰۷-۱۱۷)، روایات (مصطفی، ۲۰۰۷، ۱۲۹-۱۱۷؛ سبیل، ۲۰۰۲م، صص ۷۶-۷۲)، دلیل عقل (اگر به قرائن و امارات توجه نشود، احکام معطل می‌ماند و حقهای مردم ضایع می‌شود- موافقت با مقاصد شرعی مانند برقراری عدالت- قرائن داخل در مفهوم بینة هستند) (مصطفی، ۲۰۰۷، ۱۳۶-۱۲۹؛ ایوب، ۲۰۱۴م، ص ۱۱۸) و عمل پیامبر ﷺ و صحابه ایشان (عبدالمنعم، بی تا، ص ۵۳) نیز تمسک کرده‌اند.^۵

۷. مدرک علمی مبتنی بر تجربه و مشمول اختیارات قاضی

برخی اهل سنت آن را مدرک علمی مبتنی بر تجربه تلقی می‌کنند و مانند سایر ادله، مشمول اختیارات قاضی می‌دانند، زیرا اثبات از طریق دی ان ای در حوزه کیفری مطلق نیست

۵. البته برخی نیز مخالف عمل به قرائن هستند و به ادله‌ای چون آیات ۱ و ۲ منافقون، ۷۴ توبه، ۴۱ مائده، روایات نبوی و دلیل عقل (عمل به قرائن، عمل به ظن است که طبق آیات قرآن از آن نهی شده است و عمل به قرائن سبب تهمت به قضات می‌شود) استناد می‌کنند (ایوب، ۲۰۱۴م، صص ۱۱۹-۱۱۸؛ مصطفی، ۲۰۰۷م، صص ۱۳۶-۱۵۹).

(موسی، ۲۰۲۱م، ص ۳۱۶؛ حسانی، ۲۰۲۱م، ص ۴۳) و تحت عنوان کارشناسی شناخته می‌شود. دلیل این گروه نیز وجود خطاهای انسانی مانند مخلوط شدن نمونه‌ها با هم یا جابه‌جا شدن آنهاست که حجیت مطلق آن را به حجیت نسبی بدل می‌کند. به‌علاوه مجرمان با استفاده از روشهایی چون اسپری نمونه دی ان ای دیگران در محل جرم یا ادا کردن قربانی به حمام کردن یا پاشیدن اسید مسیر تحقیقات را منحرف کرده و زمینه تبرئه شدن خویش را فراهم کرده‌اند (همان‌جا).

نظرات اهل سنت را می‌توان به دو گروه حجیت نسبی و حجیت مطلق تقسیم نمود، البته نظر چهارم و هفتم در گروه حجیت نسبی هستند، ولی نظر ششم در گروه حجیت مطلق قرار دارد.

نظرات فقیهان امامیه و اهل سنت درباره حکم استفاده از انگشت‌نگاری دی ان ای برای اهداف کیفری

از این منظر چند نظر مطرح است:

۱. جواز مشروط

این نظر را می‌توان به چند گروه تقسیم نمود:

الف) جواز مشروط به رضایت متهم: برخی فقیهان امامیه (استفتائات آیت‌الله صافی گلپایگانی) و اهل سنت معتقدند متهم باید برای نمونه‌برداری ژنتیکی رضایت داشته باشد، زیرا این فرایند مستلزم استخراج بافت از وی است که همراه با درد است (یحیی و لطیف، ۲۰۲۳م، ص ۲۲). ادله این گروه شامل این موارد است: ۱- ناقض قاعده اختیار است؛ ۲- تجاوز به حریم خصوصی متهم است؛ ۳- ناقض اصل مشروعیت روش تحصیل دلیل است: انگشت‌نگاری دی ان ای باید با روش قانونی تحصیل شود، زیرا در غیر این صورت مشروعیت لازم را برای اثبات نخواهند داشت و مدرک غیر معتبر تلقی می‌شود (همان‌جا).

البته نظر مخالف هم در فقه شیعه وجود دارد، مانند آیات عظام موسوی اردبیلی^۶ و علوی گرگانی (مسگری حق، ۱۳۹۳ش، صص ۱۳۵-۱۳۴).

ب) جواز مشروط به شرایط دیگر: مجمع فقهی نیز شرایطی را برای جواز برگزیده است: ۱- آزمایشگاههای انگشت نگاری ژنتیکی باید مختص کشور باشد و برای کسب سود نباشد. ۲- در هشت مورد زیر انجام انگشت نگاری دی ان ای جایز است: اول- اختلاف بر مجهول النسب. دوم- موارد مشتبه در تولد نوزادان در بیمارستانها و مراکز نگهداری از کودکان به روش طبیعی یا کمک باروری. سوم- گم شدن کودکان در اثر حوادث یا بلایا یا جنگ یا اسیران جنگی و مفقودان و مانند آن. چهارم- تعارض و اختلاف درباره نوزاد تازه متولد شده. پنجم- اختلاف زن و شوهر. ششم- تجاوز جنسی و امثال آن. هفتم- بهره‌مندی از آن در موارد مشکوک در روش‌های کمک باروری. هشتم- اثبات جرم (خلیفه، ۱۴۴۰ق، ص ۴۷).

ج) جواز مشروط به جرائمی غیر از قصاص و حدود: برخی فقیهان امامیه مانند آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، مکارم شیرازی، صافی گلپایگانی (استفتائات سایت اسلام کوئیست) و موسوی اردبیلی (مسگری حق، ۱۳۹۳ش، ص ۱۳۴) جواز را محصور به غیر حدود به‌ویژه زنا نموده‌اند و برخی آن را منحصر در قتل یا به تعبیری قصاص دانسته‌اند (همان، ص ۱۳۵) و برخی فقیهان اهل سنت نیز معتقدند استفاده از انگشت نگاری دی ان ای در غیر از قصاص و حدود جایز است (سبیل، ۲۰۰۲م، ص ۶۸)، زیرا حد و قصاص با شهادت و اقرار ثابت می‌شود و خداوند در آنها با مسامحه برخورد می‌کند (همان، ص ۶۹). برای اثبات حدود و قصاص به شهادت و اقرار نیز روایاتی نزد اهل سنت وجود دارد (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۴۵۲). علاوه بر این، ادله دیگری نیز در این زمینه بیان شده‌اند: آیات ۱۵ نساء و ۴ نور که طبق این آیات اثبات زنا صرفاً با شهود یا اقرار است، روایات، دلیل عقل (همان‌طور که حمل ممکن است ناشی از نزدیکی به شبهه یا اکراه باشد یا بودن مال مسروقه نزد فرد ممکن است ناشی از هبه یا عاریه باشد و موجب دفع مجازات است؛ انگشت نگاری دی ان ای نیز به همین ترتیب است)، اجماع (حکیم، ۲۰۲۴م، صص ۱۴۹۸-۱۴۹۷).

۶. آیت‌الله موسوی اردبیلی از ۳ جهت انگشت نگاری دی ان ای را مشروط می‌داند: عدم اشتباه و همراهی با قرائن دیگر، رضایت متهم و غیر از حدود الهی.

۱۴۹۳) و احتیاط در دما (هادی حبتور، ۲۰۱۸م، ص ۱۵۹۲). اصل این نظر در فقه اهل سنت متعلق به جمهور به غیر از فقیهان مالکی است (همانجا).

البته نظر مخالف این نظر نیز با استناد به ادله‌ای چون آیه ۲۸ یوسف، روایات، عمل اهل مدینه، دلیل عقل، (وجود حمل از زنی که شوهر ندارد، قطعاً دلالت بر زنا می‌کند و در مورد انگشت‌نگای دی ان ای نیز چنین است - اقامه حد زنا و سرقت به قرینه قوی‌تر از اقامه آن به بینه و اقرار است، زیرا در دو مورد آخر احتمال صدق و کذب وجود دارد، برخلاف مال مسروقه که اگر نزد فرد باشد، در سارق بودن وی نباید شک کرد) (حکیم، ۲۰۲۴م، صص ۱۵۰۳-۱۴۹۹)، اولویت مصالح جمعی بر مصالح فردی و قطعیت این روش (عبدالمحمدی، ۲۰۲۰م، ص ۷۶) میان اهل سنت موجود است. اصل این نظر متعلق به فقیهان مالکی و برخی فقیهان حنبلی است (هادی حبتور، ۲۰۱۸م، ص ۱۵۹۱).

د) جواز مشروط به لزوم استفاده از انگشت‌نگاری ژنتیکی در موارد خاص: انگشت‌نگاری ژنتیکی در صورت بروز اختلاف و در مواردی که شواهد قانونی قوی‌تر مغایرت یا غلبه بر آن نداشته باشد، استفاده می‌شود (حمداش، ۲۰۱۹م، ص ۲۶).
ه) جواز مشروط به انحصار استفاده از آن در دعاوی و تراحمات و فقدان ادله شرعی قوی مانند شهادت و اقرار (عبداللهی، ۲۰۱۷م، ص ۳۹).

و) جواز مشروط به پذیرش عمومی متخصصان و استفاده گسترده از آن: به این معنا که کشف علمی در مرحله آزمایش تا زمانی که از مرحله اثبات و تطبیق عبور نکرده است، مورد توجه قرار نگیرد. هلالی می‌گوید: «شرط اساسی جواز شرعی آن را رواج و گسترش کاربرد آن می‌دانم، زیرا اگر همچنان کمیاب باشد، در میان مردم رضایت و مقبولیت نمی‌یابد و شکی نیست که رضایت آنان، استمرار استیفای حقوق است» (واصل، ۱۴۲۵ق، ص ۹۸؛ حمداش، ۲۰۱۹م، ص ۲۶؛ حکیم، ۲۰۲۴م، ص ۱۴۸۵).

ز) جواز مشروط به ثبات روش انگشت‌نگاری دی ان ای: از نظر برخی فقیهان اهل سنت، این ثبات لازم است تا بتوان به آن اعتماد کرد (همانجا؛ عبداللهی، ۲۰۱۷م، ص ۳۹).

ح) جواز مشروط به منع تجارت در حوزه انگشت‌نگاری دی ان ای: بخش خصوصی و شرکتهای تجاری مرتبط، از تجارت آنها، منع و بلافاصله تعطیل شوند و مجازاتهای

بازدارنده برای هر کسی که جرئت دست‌کاری ژنهای انسانی را داشته باشد، اعمال شود (حکیم، ۲۰۲۴م، ص ۱۴۸۵؛ کعبی، ۱۴۲۶ق، ص ۳).

ط) جواز مشروط به قطعیت یا علم آور بودن نتایج انگشت‌نگاری دی ان ای: آیات عظام موسوی اردبیلی (مسگری حق، ۱۳۹۳ش، ص ۱۳۴) و محمدی قائینی (محمدی قائینی، درس خارج فقه، ۹۹/۰۷/۰۲) و برخی فقیهان اهل سنت از قائلان به آن هستند (واصل، ۱۴۲۵ق، ص ۹۷؛ عبداللی، ۲۰۱۷م، ص ۳۹).

ی) جواز مشروط به ویژگیهای خاص در کارشناس: برخی علمای اهل سنت (واصل، ۱۴۲۵ق، ص ۹۸) که در ماهیت انگشت‌نگاری دی ان ای قائل به عنوان کارشناسی برای ماهیت آن شده‌اند، شرایطی را برای کارشناس لازم دانسته‌اند: ۱- مسلمان باشد، زیرا شهادت غیرمسلمان پذیرفته نیست. ۲- خیره باشد. ۳- عادل باشد (نظر فقیهان شافعی، حنبلی، مالکی و ظاهری). ۴- نفعی برای او نداشته باشد یا ضرری را از او دفع نکند (نظر فقیهان شافعی). ۵- عدد: ۴ نظر مطرح است: برخی یک نفر را کافی می‌دانند (نظر فقیهان شافعی و حنبلی و از معاصران، هلالی و زحیلی) و برخی چون آن را نوعی شهادت تلقی می‌کنند، بیش از یک نفر را مد نظر قرار می‌دهند (شرط فقیهان مالکی و برخی فقیهان حنبلی و از معاصران قره‌داغی، أشقر، عبدالمنعم، شاذلی و اصم) و برخی دیگر در صورت تعدد، رجوع به حاکم را مد نظر قرار داده‌اند (نظر سبیل و سلامی) و چهارمین نظر توقف است (واصل، باز و عبدالواحد). ۶- مرد بودن (نظر فقیهان مالکی، حنبلی و شافعی). ۷- آزادی ۸- داشتن قوای بینایی، شنوایی و سخن گفتن (کعبی، ۱۴۲۶ق، صص ۵۲-۵۰؛ حکیم، ۲۰۲۴م، صص ۱۴۸۸-۱۴۸۴).

البته این نظر بیشتر مربوط به نسب است، زیرا فقیهان اهل سنت قیافه‌شناسی را دارای اعتبار می‌دانند و همین شروط را برای قیافه‌شناس در نظر گرفته‌اند که این نظر قابل رد است، زیرا قیاس قیافه‌شناس با کارشناس انگشت‌نگاری دی ان ای مع‌الفارق است.

۲. جواز مطلق

نظر غالب در فقه اهل سنت این است که منصفانه نیست از بهره‌گیری دستگاههای دولتی با مسئولیت تحقق عدالت بین افراد از اثر انگشت ژنتیکی در اثبات کیفی، حتی بدون رضایت متهم ممانعت شود (یحیی و لطیف، ۲۰۲۳م، ص ۲۳). ادله این گروه شامل موارد

ذیل است: ۱- پس از اکتشافات علمی دقیق، دستیابی به عاملان و نتیجه‌گیری قطعی آسان‌تر است و با از بین بردن سوءظن، استفاده از انگشت‌نگاری ژنتیکی به نفع جامعه است. ۲- اطلاق قاعده عدم استفاده از خود متهم برای ارائه مدرک علیه خودش و نتیجه آن، این است که این کار فاقد مجازات شرعی و قصاص است. ۳- حقوق افراد مطلق نیست، بلکه استیفای حق هر فرد، محدود به حقوق افراد و جامعه دیگر است (همان‌جا). علاوه بر این ادله برخی به ادله دیگری چون قیاس با قیافه (در نسب)، اجماع، وسیله مشروع بودن انگشت‌نگاری دی ان ای برای مقاصد مشروع و قواعد شرعی مانند اصل اباحه، قاعده «ما کان أبلغ فی تحصیل مقصود الشارع کان أحب إذا لم یعارضه ما یقتضی خلاف ذلک»، قاعده «ما لا یتیم الواجب إلا به فهو واجب»، قاعده استصحاب براءت ذمه (حکیم، ۲۰۲۴م، صص ۱۴۸۳-۱۴۸۰)، توسیع معنای بینه با توجه به مقصود شارع از آن، به هر موردی که اطمینان‌آور باشد، روایت مربوط به قتل اباجهل توسط دو جوان انصاری، معنای بینه در قرآن به معنای شهود نیست، بلکه به معنای حجت و برهان است و مقصد انبیاء برقراری عدل و انصاف است که انگشت‌نگاری دی ان ای نیز وسیله برقراری عدالت است و قوت انگشت‌نگاری دی ان ای بر سایر ادله مثل شهادت و اقرار (همان، صص ۱۴۹۲-۱۴۹۰) استناد کرده‌اند.

۳. عدم جواز

برخی فقیهان امامیه مانند آیات عظام نوری همدانی و مدنی تبریزی (مسگری حق، ۱۳۹۳ش، ص ۱۳۵) و برخی اهل سنت با استناد به ادله‌ای چون آیه ۳ سوره مائده، آیه ۲۲۹ بقره، روایات، دلیل عقل (۱). تعارض با آیه ۷۰ اسرا و کرامت ذاتی انسان؛ ۲. خداوند در مقام تشریح، یگانه است و هر امر جدید در قالب شرط یا عقد یا غیره خارج از آن، مردود است (هلالی، ۲۰۰۱م، صص ۱۰۴-۱۰۰؛ دلیمی، ۲۰۲۰م، صص ۵۱-۴۷)، ورود آسیب جدی ناشی از افشای اسرار (خلیفه، ۱۴۴۰ق، ص ۴۸) و اصاله الحظر (دلیمی، ۲۰۲۰م، ص ۴۶) قائل به عدم جواز هستند. هرچند نظر غالب در فقه اهل سنت بر جواز انگشت‌نگاری ژنتیکی تمرکز دارد، اما از دیدگاه برخی حقوقدانان عرب این کار با برخی اصول حقوقی مانند حریم خصوصی، احترام بدن انسان و عدم اجبار متهم به ارائه مدرک علیه خود در تعارض است (عماد، ۲۰۱۱م، صص ۴۳-۳۶).

۴. تابعیت از قوانین کشور در جواز و عدم جواز

خامنه‌ای در استفتائی ملاک عمل در این قضیه را قوانین کشور اعلام کرده‌اند (مسگری حق، ۱۳۹۳ش، ص ۱۳۵).

بررسی ادله موافقان و مخالفان جواز انگشت‌نگاری دی ان ای با اهداف کیفری

تمامی اقوال را می‌توان به دو گروه موافق و مخالف جواز تقسیم نمود و بر همین اساس، مهم‌ترین ادله هر دو گروه بررسی خواهند شد:

۱. ادله جواز انگشت‌نگاری دی ان ای با اهداف کیفری

برخی ادله‌ای که قابلیت این را دارد تا جواز استفاده از راههای علمی و قرائن مانند آزمایش دی ان ای را اثبات کند، از قرآن، سنت و عقل بیان می‌شوند:

۱-۱. قرآن کریم

از برخی آیات قرآن مانند آیه ۱۸ سوره یوسف استفاده می‌شود که اگر قرائتی بر یک مطلب دلالت کند، پذیرفته خواهد شد. توضیح استدلال بر این آیه شریفه آن است که برادران حضرت یوسف علیه السلام قصد داشتند پیراهن خون‌آلود را به‌عنوان دلیل و قرینه‌ای بر صدق گفتارشان نسبت به دریده شدن برادرشان توسط گرگ، قرار دهند، اما حضرت یعقوب علیه السلام با دلیلی محکم‌تر از آنها که پاره نشدن پیراهن بود، بر کذب گفته فرزندان خود، استدلال فرمود (کعبی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۷۴) و این مطلب می‌تواند بر استناد پیامبر خدا بر حجیت فی‌الجمله قرائن دلالت داشته باشد.

۱-۲. سنت

در سنت شریف نیز احکام یا نتیجه‌گیری‌هایی بر اساس قرائن و امارات از جانب پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام مشاهده می‌شود. برای مثال، عبدالرحمن بن عوف می‌گوید: من در جنگ بدر در صف رزمندگان بودم. سرم را برگرداندم، مشاهده کردم که طرف راست و چپ من دو جوان کم‌سن‌وسال با نامهای معاذ بن عفرا و معاذ بن عمرو بن جموح ایستاده‌اند و از

من خواستند که ابوجهل را از میان کفار شناسایی کرده و به آنها نشان دهم تا او را بکشند. بعد از معرفی او، آن دو جوان به ابوجهل حمله بردند و سرانجام او را کشتند و سپس محضر پیامبر اکرم ﷺ رفتند و به آن حضرت، قتل ابوجهل را خبر دادند. رسول خدا ﷺ سؤال فرمودند که کدام یک از شما او را کشتید؟ هر کدام از آنها گفتند من کشتم. حضرت سؤال فرمودند: آیا شمشیرتان را پاک کرده‌اید؟ گفتند: خیر، سپس پیامبر اکرم ﷺ شمشیرها را به دقت ملاحظه کردند و فرمودند که هر دوی شما در قتل ابوجهل همکاری و مشارکت داشته‌اید، اما افتخار کشتن او نصیب معاذ بن عمرو بن جموح است (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۹۱؛ شوکانی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۹۹). رسول خدا ﷺ از خونین بودن شمشیر آن دو فهمیدند هر دو در کشتن ابوجهل مشارکت داشتند، اما به این دلیل که شمشیر معاذ بن عمرو از جهت طول بیشتر خونین بود، دریافتند که شمشیر وی، بیشتر از شمشیر بن عفرأ، وارد بدن ابوجهل شده و در نتیجه موجب مرگ او شده است. این عمل رسول خدا ﷺ از وحی الهی نشئت نگرفته بود، زیرا اساساً علم غیب و لدنی ایشان، متعلق به چنین اموری نیست، بلکه اقدامی عقلایی و بر اساس قرائن و شواهد بوده و از آنجاکه فعل معصوم ﷺ از مصادیق سنت و حجیت آن، قطعی است و در اقل مراتب آن، افاده اباحه می‌کند، از این نقل برداشت می‌شود که استفاده و استعمال شواهد قطعی یا اطمینان‌آور و امارات عینی در امور قضایی، منع شرعی نداشته و می‌تواند در امر قضاوت استفاده شود (زهرانی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۳۲). هم‌چنین، در مورد قضاوتهای حضرت امیرمؤمنان ﷺ یا پرسشهایی که از ایشان در مقام استفتاء یا در مقام یاری گرفتن از ایشان در حل معضلات می‌شده نیز می‌توان به نمونه‌هایی اشاره کرد.

حضرت امیر ﷺ در مورد قضایی که علی‌الظاهر داخل در موضوعی بوده، ولی در واقع خارج از موضوع بوده، به آزمایشهایی برای کشف حقایق امر، اتهامات اشخاص یا صداقت افراد پرداخته‌اند. برای نمونه، امیرالمؤمنان علی بن ابی‌طالب ﷺ از شخصی که دیگری سرش را کوفته و مضروب کرده بود و ادعا می‌کرد بینایی، گویایی و بویایی خود را از دست داده است، پرسش فرمودند. امام ﷺ فرمودند: حس بویایی او بدین صورت آزمایش می‌شود که پارچه نیم‌سوخته‌ای در زیر بینی او بگیرند، اگر هم‌چنان در جای خویش ایستاد و حرکتی نکرد، راست گفته و اگر سرش را دور کرد و از چشمانش اشک ریخت، دروغ گفته است. آزمایش بینایی او به این ترتیب است که چشمانش را به صورت باز در

مقابل قرص آفتاب نگاه می‌دارند، اگر بدون اختیار، چشمانش را به هم زد، دروغ گفته و گرنه راست می‌گوید. اما در مورد گویایی او، سوزنی در زبان او فروبرند، اگر خون سرخ خارج شد، دروغ گفته و اگر خون سیاه بیرون آمد، راست گفته است (شوشتری، ۱۳۸۵ ش، ص ۲۰).

هم‌چنین، مردی نزد امام علیه السلام اظهار داشت خودم و هم‌سرم، سیاه‌پوست هستیم، اما هم‌سرم پسری سفیدپوست زاییده است. حضرت فرمودند: آیا در حال حیض با او هم‌بستر شده‌ای؟ مرد گفت: آری. امام علیه السلام فرمودند که این فرزند، پسر شماس است و دلیل سفیدشدنش این است که در آن زمان، خون حیض بر نطفه غلبه کرده و زمانی که بزرگ شود، سیاه‌پوست می‌شود (همان، ص ۱۷).

پس حضرت امیرمؤمنان علیه السلام برای روشن‌شدن حقیقت مطلب در احکام قضایی، از روشهایی استفاده کرده‌اند که ایشان را به‌واقع برساند. هرچند ابزارها و آزمایشهای پزشکی و راهکارهای تجربی تغییر کرده‌اند، اما با توجه به روشهای متعارف آن دوران، یقین یا اطمینانی که در قضاوت‌های امام علیه السلام از این طریق به دست می‌آید، قابل مشاهده است، زیرا تجزیه و تحلیل ایشان در زمان حیات مبارکشان، اغلب در موضوعات خارجی بوده است.

۱-۳. دلیل عقل

در مورد اعتبار ادله علمی و از جمله آزمایشهای پزشکی مانند دی ان ای، این‌گونه استدلال شده است که اگر در وقایع و امور زیادی که با اقرار و شهادت قابل اثبات نیستند، از قرائن و ادله بیانگر حقیقت و دلالت‌کننده بر آن استفاده نشود، در مواردی به تضييع حقوق مردم خواهد انجامید، در حالی که شارع مقدس در اقامه عدل میان مردم، وصول حقوق به صاحبانش و فساد ستیزی جامعه اسلامی، سازگاری دارد (زحیلی، ۱۴۰۵ ق، ص ۴۱۸).

این دلیل عقل فقط در مورد حق الناس جریان دارد و نمی‌تواند حق الله را در بر بگیرد. حق الناس و حق الله تمایزهای جدی و روشنی با هم دارند. در حقوق الناس، قاضی و حاکم باید احقاق حق کند و برای این مقصود، نه تنها منعی از تفحص و تحقیق ندارد، بلکه مؤکداً بدان توصیه شده است. این حقوق، احکامی غیر از احکام حق الله دارند، مانند امکان رسیدگی غیابی و امکان اثبات جرم با شهادت فرع و شهادت تبرعی و کفایت یک‌بار اقرار

در بعضی از جرایم، همچون سرقت برای رد مال و قتل. به عنوان نمونه، جریان شبهه دارئه و تخفیف کیفر در مواردی چون زنا یا لواط، در قالب زنا یا به عنف که جنبه حق‌اللّٰهی محض ندارد، بلکه آمیخته با خصوصیت حق‌الناسی است، با تشکیک مواجه شده تا آنجا که فقهی که خود سالها ریاست دستگاه قضا را بر عهده داشته در فقه القضا «از این مسئله تعبیر به مشکل لاینحل کرده و خواهان عدم تأثیر شبهه در این موارد برخلاف حدود حق‌اللّٰهی است» (موسوی اردبیلی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۹۷). از این رو، ادله اثبات حق‌الناس، اعم از دیات، قصاص و تعزیرات، مانند اهانت، سب و غیره که دارای جنبه خصوصی هستند، «طریقیت» دارند (اربابی مجاز، ۱۳۹۰ش، صص ۱۸۲-۱۸۱).

۱-۴. بنای عقلا

برای به‌کارگیری روشهایی مانند آزمایش دی ان ای، می‌توان به رویه قطعی عقلا در ازمه و امکانه مختلف، مبنی بر رجوع جاهل به عالم استناد نمود. عقلا در مقام عمل، در اموری که تخصص ندارند، به متخصص آن علم یا فن مراجعه می‌کنند و این سیره عقلا از جانب معصوم علیه السلام مورد ردع قرار نگرفته، در نتیجه حجیت این سیره برای فقیه، قابل اثبات است. ذکر این مطلب نیز لازم است که قاضی در موارد ادعای مدعی، در صدور حکم، به بینه نیاز پیدا می‌کند تا به صدق گفتار مدعی، اطمینان پیدا کند؛ بنابراین اگر صدور حکم با وجود اطمینان کافی باشد، با وجود علم، به طریق اولی کافی خواهد بود. حجیت علم و یقین نیز قطعی است، البته این قطع، طریقی و از انواع راه‌های متعارف و عقلائی باشد که مورد ردع شارع نیز قرار نگرفته‌اند، در طریق وصول به این علم و یقین، می‌توان از آن بهره برد. البته مواردی که موضوع قضایی بنا بر تنصیص شارع مقدس باید با ادله خاصی بررسی شوند یا این ادله منصوص در اثبات یا رد اتهام، نسبت به سایر ادله، اولویت در بررسی دارند، موضوع سخن نیست.

برخی اشکال نموده‌اند که این دلیل، اخص از مدعی است، زیرا در حقوق الناس جاری نمی‌شود، مگر اینکه با دو بیان توجیه شود: الف- اگر در حدود، جاری شود، در اموال هم جاری می‌شود، زیرا هر کسی که در حدود اجازه داده، در اموال هم اجازه می‌دهد که این توجیه قابل خدشه است، زیرا ابن جنید نقل کرده که حکم قاضی در حدودالله، جایز است و در حقوق الناس جایز نیست. ب- اگر در حدودالله جاری باشد، به قیاس اولویت در

حقوق الناس جاری خواهد شد که این توجیه نیز مخدوش است، چون در حقوق الناس، قاضی در معرض اتهام است و از این جهت قابل قیاس با حقوق الله نیست. اشکال دیگر به استدلال به بنای عقلا در این موضوع آن است که اگر نظریه امر حسی پذیرفته شود، دیگر از نوع رجوع به اهل خیره (ماهیت حدسی دارد) نخواهد بود و در نتیجه، بنای عقلا کنار خواهد رفت.

۲. ادله عدم جواز انگشت نگاری دی ان ای با اهداف کیفری

ادله این گروه شامل موارد ذیل است:

۲-۱. قرآن کریم

برخی فقیهان اهل سنت با استناد به دو گروه از آیات قائل به عدم جواز هستند. برخی از این آیات در مورد اجرای حدود است، مانند آیات ۱۵ نسا و ۴ نور که از آن انحصار ادله اثبات جرائم را به شهادت و اقرار به دست آورده‌اند (حکیم، ۲۰۲۴م، صص ۱۴۹۸-۱۴۹۳) که پیش از این ذیل نظر امامیه پاسخ درخور به این استدلال داده شد.

گروه دوم از آیات، مانند آیات ۳ مائده و ۲۲۹ بقره در گروه آیاتی هستند که مخالف بدعت در دین هستند. آیه ۳ مائده اشاره به اکمال دین دارد، پس ادعای اکتشافات جدید مساوی با ادعای نقص دین است و آیه ۲۲۹ بقره نیز اضافه کردن به دین را تعدی به حدود الهی معرفی می‌کند و هر کس چنین کند، از ظالمان است (هلالی، ۲۰۰۱م، صص ۱۰۴-۱۰۰؛ دلیمی، ۲۰۲۰م، صص ۴۷-۵۱). استدلال به این آیات نیز قابل قبول نیست، زیرا اسلام دینی است که به زمان و مکان توجه داشته و اجتهاد در آن امری پویا و رو به پیشرفت است. به علاوه، دلالت آیه ۳ مائده بر اکمال دین در احکام جزئی و قواعد کلی است. پس هر امر مستحدثه‌ای داخل در آن قواعد کلی است و با اصلی از اصول شریعت در تعارض نخواهد بود (همان، صص ۴۸-۴۷).

۲-۲. سنت

این روایات از این قرار است:

۱- «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۶۹) که دلالت بر بطلان و عدم عمل به هر چه هست که به دین اضافه شده و هر اضافه‌ای مردود است و نباید به آن عمل کرد. در پاسخ به این روایت باید گفت که حدیث دلالت بر تغییر و تبدیل در آنچه دارد که در کتاب و سنت وجود دارد و شامل امور مستحدثه کنونی نمی‌شود (دلیمی، ۲۰۲۰م، ص ۴۸).

۲- «عن عُرْوَةَ بْنِ الزُّبَيْرِ قَالَ: قَالَتْ عَائِشَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: دَخَلَ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَذَكَرْتُ لَهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: اشْتَرَى وَأَعْتَقَنِي، فَإِنَّمَا الْوَلَاءُ لَنْ أَعْتَقَ، ثُمَّ قَامَ النَّبِيُّ ﷺ مِنَ الْعَنِيِّ، فَاتَى عَلَيَّ اللَّهُ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ، ثُمَّ قَالَ: مَا بَالُ أَنْاسٍ يَشْتَرُونَ شُرُوطًا لَيْسَ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنْ اشْتَرَطَ شَرْطًا لَيْسَ فِي كِتَابِ اللَّهِ فَهُوَ بَاطِلٌ، وَإِنْ اشْتَرَطَ مِائَةَ شَرْطٍ، شَرَطَ اللَّهُ أَحَقُّ وَأَوْثَقُ» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۷۱). این روایت نیز دلالت بر بطلان عمل نسبت به هر شرطی دارد که در قرآن و سنت نیامده و هر امر جدیدی مشمول آن است، زیرا نصی برای آن از قرآن و سنت وجود ندارد. در رد این استدلال باید اذعان کرد که این حدیث بر آنچه ادعا شده است، دلالتی ندارد (دلیمی، ۲۰۲۰م، ص ۴۸).

۲-۳. عدم حجیت علم قاضی در حدود

بر همین اساس، یکی از ادله اثبات دعوی مورد اختلاف فقیهان، علم قاضی است. مطابق نظر برخی قاضی تنها در حق‌الله می‌تواند به استناد علم خویش، به صدور حکم مبادرت کند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۴۸)؛ اما بعضی دیگر اعتقاد دارند که علم قاضی فقط در حق‌الناس حجیت دارد (طوسی، ۱۳۸۷ق، ص ۱۲)؛ ابن‌حمزه طوسی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۱۸). قول مشهور، حجیت مطلق علم قاضی، در حق‌الله و حق‌الناس است (حلی، ۱۴۱۳ق، ص ۴۰۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۰، ص ۸۸؛ خمینی، ۱۳۷۹ش، ص ۴۰۸). فارغ از نظرات فوق، به نظر می‌رسد علم قاضی در حق‌الله و اجرای حدود به‌تنهایی کافی نیست و اجرای حدود شرعی، منوط به اثبات از طرق تعیین‌شده شرعی؛ یعنی اقرار، بینه و قسم است. با بررسی ادله موافقان حجیت مطلق علم قاضی، می‌توان درک کرد که قاضی در حقوق‌الله نمی‌تواند فقط با اتکا به علم شخصی خویش، قضاوت نماید، زیرا با این کار، قاضی، خود و نظام قضایی را در معرض اتهام قرار می‌دهد و قاعده کلی در حقوق‌الله علاوه بر حفظ دماء، این است که شارع مقدس، بنا را بر تسهیل و نوعی تخفیف گذاشته و با اندک

شبهه‌ای، حق خود را ساقط می‌کند؛ اما در حقوق الناس، بنای شارع مقدس بر احقاق حقوق مردم است و احکام بدون هیچ تساهل و تسامحی و با قاطعیت باید اجرا شوند.

۲-۴. تسامح الهی در حدود

اسلام در حقوق الله، اصل ستر و جرم‌پوشی، عدم مذاقه و وجود نگاه تسامحی و تخفیفی را در نظر دارد تا جایی که گفته شده است اسلام به تمام معنا خواستار عدم اجرای هیچ حدی است، مگر در جایی که ارتکاب جرم به یقین اثبات شود. پس اسلام در ادله اثبات این نوع از جرایم سخت می‌گیرد تا حد با شبهه دفع شود و به صرف ادعا یا بررسی مختصر اجرا نشود (زحیلی، ۱۴۰۵ق، ص ۱۷). با توجه و دقت نظر در آیات و روایات و با استناد به مذاق شارع که در واقع لازم بین بالمعنی الأعم مجموع ادله است، ادله اثبات جرم در جرایم فاقد جنبه خصوصی، اعم از حدود و تعزیرات، «موضوعیت» دارند و اختلاف مجموع ادله اثبات حق الله در اسلام، با نظام ادله قانونی به همین واسطه است (اربابی مجاز، ۱۳۹۰ش، ص ۱۷۹).

علاوه بر این، از عموم آیه نفی تجسس (حجرات، ۱۲) به دست می‌آید، قاضی مجاز به تحقیق و تفحص در حقوق الله نیست تا جرمی را اثبات کند و در متون فقهی نیز از قضات خواسته شده است که متهم را در حقوق الله ترغیب به عدم اقرار نمایند. چنان که حضرت رسول اکرم ﷺ در جریان اقرار ماعز بن مالک به زنا، به همین شیوه عمل نمودند و پس از مراسم اجرای حد، به مردم توصیه فرمودند که این نوع جرایم را مخفی و به درگاه الهی توبه کنند (طوسی، ۱۳۸۷ق، ص ۱۷۸). بر همین اساس، به نظر می‌رسد نمی‌توان در حق الله از آزمایش‌های دی ان ای بهره برد.

۲-۵. قاعده درأ

در فقه امامیه، جایگاه این اصل را باید در قاعده معروف «درأ» جست‌وجو کرد. روایات فراوانی به صورت مستقیم (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۷۴) و غیرمستقیم (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، صص ۳۳-۳۲) بر این قاعده دلالت دارند. علاوه بر اینکه، برخی فقیهان نسبت به اعمال این قاعده، ادعای اجماع نموده‌اند (طباطبایی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۶۰)؛ بسیاری از فقیهان در اعمال این قاعده و جریان آن، تفاوتی میان حدود و سایر مجازات،

قائل نشده‌اند (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۷۹؛ عوده، بی تا، ص ۲۲۶)؛ به این دلیل که لفظ «الحدود» در قاعده مزبور و روایاتی که دربرگیرنده مفاد این قاعده هستند، به معنای مطلق مجازات است و قرینه‌ای در میان نیست تا نشان دهد معنای مجازات معین (حدود) استعمال شده است (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۶۹) و از این بالاتر، قرائنی (لفظی و غیرلفظی) نیز در تأیید مطلق بودن مجازات در این روایات وجود دارند تا به اجمال استناد نشود و به تبع این اجمال، تمسک به قدر متیقن را نتیجه گرفت که صرفاً شامل حدود شود.

۲-۶. اصل برائت

در سیره پیامبر ﷺ و امیرمؤمنان ﷺ مواردی وجود دارد که حاکمیت مطلق اصل برائت را در امور کیفری نشان می‌دهد، مانند این فرمایش امیرمؤمنان ﷺ: «إِنِّي لَا آخُذُ عَلَى التُّهْمَةِ، وَلَا أُعَاقِبُ عَلَى الظَّنِّ»؛ من به خاطر تهمت، کسی را مؤاخذه نمی‌کنم و با گمان و ظن، کسی را مجازات نمی‌کنم (تقفی کوفی، ۱۳۹۵ش، ج ۱، ص ۳۷۱). از این رو، چشم‌پوشی از مجازات اعضای جامعه اسلامی از اهداف نظام کیفری اسلام است.

استناد به این دلیل قابل خدشه است، زیرا انگشت‌نگاری دی ان ای خود می‌تواند در اجرای بهتر این اصل یاری رساند، چون محکومان بی‌گناهی که با ادله‌ای خدشه‌پذیر از جمله شهادت شهود محکوم می‌شوند، با کمک نمونه‌های دی ان ای تبرئه می‌شوند.

نظریه مختار

در این بخش به دو روش نظریه مختار یعنی نظریه جواز بیان می‌شود:

۱. روش حلی

علاوه بر ادله فوق‌الذکر در اثبات نظریه جواز، راهکاری که می‌تواند فقیهان را در تعیین حکم این مسئله و حرکت آنان به سوی جواز انگشت‌نگاری دی ان ای کمک کند، موضوع‌شناسی آن در علوم زیستی است، زیرا با موضوع‌شناسی ابعاد این روش روشن می‌شود و اطمینان لازم برای فقیه در لزوم استفاده از آن فراهم می‌آید. برای نمونه، اصل اساسی انگشت‌نگاری دی ان ای دلالت بر این دارد که هر فردی دارای ترکیب مشخصی از ماهوارکها است، زیرا یک کودک ۵۰ درصد از دی ان ای را از پدر و ۵۰ درصد دیگر را

از مادر دریافت می‌کند؛ بنابراین تعداد ماهوارکها (VNTR) در ناحیه خاصی از دی ان ای کودک متفاوت خواهد بود. منظور از طرح این اصل آن است که ظن نزدیک به یقین برای پزشک نسبت به هویت ژنتیکی فرد حاصل می‌شود که با تکرار آزمایش‌ها توسط دیگر پزشکان، مثل تعدد شهود می‌توان بر اطمینان حاصل از این آزمایش‌ها افزود. پس با استناد به این اصل می‌توان به این باور رسید که حداقل انگشت‌نگاری دی ان ای در کنار سایر ادله می‌تواند روشن‌کننده مسائل مبتلا به باشد. همچنین، اصول دیگری هم در این علم نسبت به موضوع مذکور وجود دارد که می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد.

۲. روش نقضی

با بررسی ادله موافقان عدم جواز باید اذعان کرد که مفاد آیات و روایات مورد استناد آنان، بر ادعای مورد نظر دلالت ندارد و اعم یا خارج از مدعا هستند. به‌علاوه، روایات نیز از نظر سندی قابل قبول نیستند. در مورد اصل برائت، باید اذعان کرد که رجوع به اصل در جایی است که حکم روشن نباشد؛ درحالی‌که پیش از این با اثبات ادله موافقان جواز، قابلیت تمسک به انگشت‌نگاری دی ان ای اثبات شده است. سایر ادله مانند «عدم حجیت علم قاضی در حدود» یا «تسامح الهی در حدود» نیز تنها می‌توانند بخشی از ادعای آنان را نسبت به حدود اثبات کنند و در نتیجه، به صورت عام صلاحیت طرح ندارند.

نتیجه

الفاظی که در مذاهب اسلامی اعم از اهل سنت و شیعه به‌کار می‌رود، در ظاهر متفاوت‌اند. در منابع فقه معاصر شیعه یا اساساً تعریفی از آن بیان نشده یا به تعریف پزشکی از آن اکتفا شده است؛ اما در منابع اهل سنت، به اذعان برخی می‌توان تعاریفی را در اصطلاح شرعی برای آن یافت؛ اما این تعاریف، همگی تعاریف علمی هستند و شرع مدخلیتی در تعریف آنها ندارد. نظرات فقیهان امامیه و اهل سنت درباره ماهیت انگشت‌نگاری دی ان ای شامل قرائن حسّی یا قریب به حسّ مستند علم قاضی، امر حسّی در حصول علم برای نوع مردم، بینه، لوث، ادله فنی یا اقباعی یا قرائن، ادله قطعی، مدرک علمی مبتنی بر تجربه و مشمول اختیارات قاضی هستند که ۴ نظر نخست اختصاص به فقیهان شیعه دارد و بر نظریه عدم انحصار ادله اثبات دعوا مبتنی هستند. ۳ نظر بعدی هم مربوط به فقیهان اهل سنت است که

نظرات آنان را می‌توان به دو گروه حجیت نسبی و حجیت مطلق تقسیم نمود، البته نظر چهارم و هفتم در گروه حجیت نسبی، ولی نظر ششم در گروه حجیت مطلق قرار دارد.

نظرات فقیهان امامیه و اهل سنت درباره حکم استفاده از انگشت‌نگاری دی ان ای برای اهداف کیفری را به ۴ دسته اصلی جواز مشروط، جواز مطلق، عدم جواز و تابعیت از قوانین کشور در جواز و عدم جواز می‌توان تقسیم نمود که نظریه جواز مشروط دارای دامنه گسترده و شامل جواز مشروط به رضایت متهم، جواز مشروط به شرایط دیگر، جواز مشروط به جرائمی غیر از قصاص و حدود، جواز مشروط به لزوم استفاده از انگشت‌نگاری ژنتیکی در موارد خاص، جواز مشروط به انحصار استفاده از آن در دعاوی و تراحمات و فقدان ادله شرعی قوی مانند شهادت و اقرار، جواز مشروط به عدم مغایرت تحلیل انگشت‌نگاری ژنتیکی با عقل و منطق مقرر در اسلام، جواز مشروط به پذیرش عمومی متخصصان و استفاده گسترده از آن، جواز مشروط به ثبات روش انگشت‌نگاری دی ان ای، جواز مشروط به عدم منفعت، جواز مشروط به قطعیت یا علم آور بودن نتایج انگشت‌نگاری دی ان ای و جواز مشروط به ویژگیهای خاص در کارشناس است. آیه ۱۸ سوره یوسف، سنت، دلیل عقل و بنای عقلا از ادله جواز انگشت‌نگاری دی ان ای با اهداف کیفری و آیات ۱۵ نساء، ۴ نور، ۳ مائده و ۲۲۹ بقره، سنت، عدم حجیت علم قاضی در حدود، تسامح الهی در حدود، قاعده درأ و اصل برائت از ادله عدم جواز انگشت‌نگاری دی ان ای با اهداف کیفری هستند.

فهرست منابع

- قرآن کریم.

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (۱۴۰۸ق). الوسيلة الى نیل الفضیلة. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- اربابی مجاز، مصطفی (۱۳۹۰ش). اعتبار اظهار نظر کارشناسی پزشکی قانونی در اثبات جرم از منظر فقه امامیه. فقه پزشکی، ۳(۷ و ۸)، ۱۵۹-۱۹۱. doi: 10.22037/mfj.v3i7-8.4769
- اسمر حضیری، حسن طیب عبدالسلام (۲۰۱۶م). الإثبات الجنائی بالوسائل العلمیة الحدیثة (دراسة مقارنة بین القانون الجنائی اللیبی و الفقه المعاصر) (رسالة الماجستير). مالانج: جامعة مولانا مالک ابراهیم الإسلامیة الحکومیة مالانج.
- ایوب، مها محمد (۲۰۱۴م). البصمة الوراثیة و مدى حجیتها فی الإثبات الجنائی. بغداد: جامعة النهرین.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق). صحیح البخاری. دمشق: دار طوق النجاة.
- ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۹۵ش). الغارات. تهران: انجمن آثار ملی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت .
- حسانی، مصعب، و زهیر، صوریة (۲۰۲۱م). دور البصمة الوراثیة فی الإثبات الجنائی فی ظل القانون الجزائری. الجلفة: جامعة زیان عاشور.
- حسینی، سید محمدمین، و نریمانپور، مهدی (۱۳۹۹ش). بررسی جرم انگاری افشای داده های ژنتیکی. مطالعات تطبیقی فقه و اصول مذاهب، ۳(۲)، ۷۲-۹۳.
- doi: 20.1001.1.44072676.1399.3.2.4.6
- حکیم، مصطفی عبدالمنعم (۲۰۲۴م). حجیة البصمة الوراثیة فی الإثبات الجنائی. مجلة کلیة الشریعة و القانون، ۳۹(۱)، ۱۴۳۴-۱۵۲۱.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). مختلف الشیعة فی احکام الشریعة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حمداش، راضیة، و بوقریبیه، سعاد (۲۰۱۹م). حجیة البصمة الوراثیة فی الإثبات الجنائی. استانبول: جامعة ابن خلدون.
- خلیفه، بدر خالد (۱۴۴۰ق). التنظيم القانونی و الفنی للبصمة الوراثیة: دراسة تحليلیة للقانون رقم ۷۸ لسنة ۲۰. مجلة کلیة القانون الکویتیة العالمیة، ۷(۲)، ۲۱-۹۲.

- خمینی، سید روح‌الله (١٣٧٩ش). *تحریر الوسیله*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- خورسندیان، محمدعلی (١٣٨٢ش). بررسی حجیت علم قاضی در فقه و حقوق ایران. *مجله حقوقی دادگستری*، ٤٧(٤٣)، ١١-٤٢.
- خویی، سید ابوالقاسم (١٤١٨ق). *موسوعة الإمام الخوئی*. قم: مؤسسه إحياء آثار امام خویی.
- دلیمی، محمد سامی فرحان، و عیساوی، محمد جاسم عبد (٢٠٢٠م). *مشروعية العمل بالبصمة الوراثية في الفقه الإسلامي*. *مجلة كلية المعارف الجامعة*، ٣٠(١)، ٣٦-٧٦.
- زحیلی، وهبه (١٤٠٥ق). *الفقه الإسلامي وأدلته*. دمشق: دارالفکر.
- زهرانی، سعید (١٤١٤ق). *طرائق الحكم المتفق عليها و المختلف فيها في الشريعة الإسلامية*. جده: مكتبة الصحابة.
- سبیل، عمر بن محمد (٢٠٠٢م). *البصمة الوراثية و مدى مشروعيتها استخدامها في النسب و الجنائية*. ریاض: دارالفضیلة.
- سلطانی، توفیق (٢٠١١م). *حجية البصمة الوراثية في الإثبات (رسالة الماجستير)*. باتنة: جامعة الحاج لخضر.
- شوشتری، محمدتقی (١٣٨٥ش). *قضاء أميرالمؤمنین علی بن أبی طالب علیه السلام*. قم: اهل الذکر.
- شوکانی، محمد بن علی (١٤٢٠ق). *نیل الأوطار من أحاديث سيد الأخيار*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (١٤١٣ق). *مسالك الأفهام الى تنقیح شرائع الإسلام*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- طباطبایی، سید علی بن محمدعلی (١٤٠٤ق). *ریاض المسائل فی بیان الأحكام بالدلائل*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- طوسی، محمد بن حسن (١٣٨٧ق). *المبسوط فی فقه الإمامیة*. تهران: المكتبة المرتضوية.
- عبدالصمد، حسنی محمود عبدالدايم (٢٠١١م). *البصمة الوراثية و مدى حجيتها في الإثبات، دراسة مقارنة بين الفقه الإسلامي والقانون الوضعي*. اسکندریه: دارالفکر الجامعی.
- عبداللی، حمید عباس (٢٠١٧م). *الوسائل العلمیة فی اثبات الجریمة*. قم: جامعة المصطفی العالمیة.
- عبدالمحمدی، طه صباح (٢٠٢٠م). *حجية البصمة الوراثية في الإثبات الجزائي في التشريعین الاردنی و العراقی دراسة مقارنة*. امان: جامعة الشرق الأوسط.

- عبدالمنعم، فؤاد (بی تا). البصمة الوراثية و دورها فی الإثبات الجنائی بین الشریعة و القانون. اسکندریه: المكتبة المصرية.
- عماد، شعت (۲۰۱۱م). البصمة الوراثية و حجيتها بالإثبات الجنائی. مستغانم: جامعة عبدالحمید بن بادیس مستغانم.
- عوده، عبدالقادر (بی تا). التشريع الجنائی الإسلامی مقارناً بالقانون الوضعی. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۳ش). جامع المسائل. قم: امیر.
- کعبی، علی (۱۴۲۶ق). البصمة الوراثية و أثرها على الأحكام الفقهية. امان: دارالنفائس.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ق). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مرتضوی لنگرودی، سید محمدحسن (۱۴۱۲ق). الدر النضید فی الإجتهد و الإحتیاط و التقليد. قم: مؤسسه انصاریان.
- مسگری حق، امیرحسین، و نصیری، سجاد (۱۳۹۳ش). مطالعه علمی فقهی و حقوقی نقش DNA در اثبات جرایم. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۷(۲۲)، ۱۱۷-۱۳۹.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۷۰ش). بینة در لسان شرع. مجله حقوقی دادگستری، ۵۵(۲)، ۵۷-۶۴.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق). استفتائات جدید. قم: مدرسة الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۳۸۵ش). فقه الحدود و التعزیرات. قم: جامعة المفید.
- موسی، عماد جواد (۲۰۲۱م). البصمة الوراثية و دورها فی اكتشاف الجريمة. مجلة الجامعة العراقية، ۲۹(۵۲-۱)، ۳۱۱-۳۱۹.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دارإحياء التراث العربی.
- واصل، نصر فرید (۱۴۲۵ق). البصمة الوراثية و مجالات الاستفادة منها. مجلة المجمع الفقهي الإسلامي، ۱۴(۱۷)، ۸۲-۱۲۶.
- هادی حبتور، فهد (۲۰۱۸م). حجیة البصمة الوراثية فی الإثبات الجنائی. مجلة كلية الشریعة و القانون، ۳۳(۴)، ۱۵۵۴-۱۶۱۵.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۷۶ش). علم قاضی (۲). فقه اهل بیت علیهم السلام ۳(۹)، ۵۵-۱۱۱.
- هلالی، سعدالدین (۲۰۰۱م). البصمة الوراثية و علاقتها الشرعية. کویت: مكتبة الكويت الوطنية.
- یحیی، عبدالکریم بن سعد صالح، و لطیف، عبدل (۲۰۲۳م). البصمة الوراثية فی الإثبات. نظام، ۱۱(۱)، ۱۲-۲۷. doi: 10.32332/nizham.v1i1i01.6975